



مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای خوزستان بر ضرورت توسعه آموزش مهارتی در حوزه دریا، صیادی و ملوانی تأکید کرد.

به گزارش اقتصادسرآمد، شهرام ملایی هزاروندی در کارگروه توسعه مهارت شهرستان آبادان اظهار کرد: آموزش مهارتی جوانان جویسای کار فاقد مهارت با رویکردهای صنعت، خدمات، کشاورزی، فرهنگ و هنر و همچنین ارتقای مهارت شاغلین پنگاه‌های اقتصادی دو هدف اصلی این کارگروه است.

وی با اشاره به برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای بر اساس مشاغل، افزود: با توجه به اهمیت توسعه آموزش بر اساس مشاغل، تاکنون ۱۳ هزار استاندارد آموزشی با همکاری صنایع برای ۱۹ گروه هدف آموزشی تدوین شده است.

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای خوزستان عنوان کرد: مشاغل کوتاه‌مدت با سرمایه‌گذاری کم به عنوان کوتاه‌ترین مسیر اشتغال آموزش مهارتی شناسایی شده است.

وی با اشاره به ظرفیت شهرستان آبادان خاطر نشان کرد: با توجه به ظرفیت‌های موجود در این شهرستان از جمله صنایع، دریا، شیلات، صیادی و همچنین همجاری با عراق، پتانسیل بسیار خوبی برای توسعه مهارت و اشتغال وجود دارد.

ملائیی هزاروندی با اشاره به اهمیت هم‌افزایی و تعامل بین بخشی برای اشتغال و توسعه این شهرستان، گفت: بر اساس اساننامه جدید سازمان، پنگاه‌های اقتصادی باید یک در هزار و نیم از تملک دارایی خود را برای توسعه آموزش مهارتی اختصاص دهند.

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای خوزستان با اشاره به ضرورت توسعه آموزش مهارتی در حوزه دریا، صیادی و ملوانی گفت: بسا توجه به اینکه ۴۵ درصد فراگیران آموزش فنی و حرفه‌ای، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند بنابراین راه‌اندازی مراکز جوار در صنایع برای توانمندسازی مهارتی و توسعه اشتغال جوانان ضروری است.

### باشما هستیم

## باتحلیل‌های دریایی‌روزنامه اقتصادسرآمد

www.eghtesadsaramad.ir

تلفن:۰۸۷۶۹۲۲۷-۰۲۱ همرا:۰۹۱۹۸۵۴۳۹۹۶

### بدون شرح...



#### فریبا عزیز ی - اقتصاد سرآمد

یک مفسر سیاسی و تحلیلگر روابط بین‌الملل می‌گوید:

# مالکیت بحرین، عمان و امارات کنونی برای ایران بود!

### پروسه جداسازی جزایر ایرانی جنوب خلیج فارس زیر ذره بین

خودشان ادامه بدهند و توافقاتی را که ۳۰ سال است پذیرفته‌اند حفظ کنند. البته به روی وزیر خارجه ایران لبخند می‌زنند، ولی هر گونه توافق و تفاهمی برای آنها موکول به بعد از به اصطلاح سرانجام حماس و حزب الله خواهد بود. بنابراین درست هم‌زمان با سفرهای وزیر خارجه ایران بود که وزرای خارجه کشورهای عربی در فرانسه با اتحادیه اروپا این اعلامیه را منتشر کردند، که برای اولین بار به‌طور گستاخانه‌ای اتحادیه اروپایی تعلق این جزایر را به امارات به رسمیت شناخته است. این فقط نوعی انتقام جویی از ایران بود که چهل سال سیاست ضد غربی را تعقیب کرده‌اسرائیل ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد و تاکنون ۵۰ هزار نفر را به بهانه حفظ جان این ۱۰ میلیون کشته است. حملاتی هم که صورت گرفت، به خصوص از طرف حزب الله در لبنان با این پاسخ بی‌رحمانه و خیلی خوشبونت آمیزی مواجه شده که اکنون لبنان را به خون و خاکستر تبدیل می‌کند؛ درست مثل غزه.

#### \* نقش ایران در این میان چیست؟

ایران سعی می‌کند بین کشورهای عربی و خودش یک‌وفاق شکل دهد. هدف ایران از وفاق این است که دسته جمعی اسرائیل را از پا در بیاورند. در حالی که ایسن مورد تأیید عرب‌ها نیست، آنها می‌خواهند به توسعه خودشان ادامه بدهند و توافقاتی را که ۳۰ سال است پذیرفته‌اند حفظ کنند. البته به روی وزیر خارجه ایران لبخند می‌زنند، ولی هر گونه توافق و تفاهمی برای آنها موکول به بعد از به اصطلاح سرانجام حماس و حزب الله خواهد بود. بنابراین درست هم‌زمان با سفرهای وزیر خارجه ایران بود که وزرای خارجه کشورهای عربی در فرانسه با اتحادیه اروپا این اعلامیه را منتشر کردند، که برای اولین بار به‌طور گستاخانه‌ای اتحادیه اروپایی تعلق این جزایر را به امارات به رسمیت شناخته است. این فقط نوعی انتقام جویی از ایران بود که چهل سال سیاست ضد غربی را تعقیب کرده که آنها برای تلافی و انتقام جویی و بهره‌مندی از بازار عربی چنین اقدامی بکنند.

متأسفانه باید گفت که با این وضعیت تنهایی و انزوای ایران در دنیا، آنها به خود اجازه می‌دهند گستاخانه حقوق ایران را انکار کنند.

#### \* برگردیم به بحث جزایر! پس گرفتن جزایر در زمان پهلوی در دوره کدام وزیر امور خارجه اتفاق افتاد و با چه تیم و مذاکراتی؟

آن‌زمان هویدا به عنوان نخست‌ وزیر، وظیفه هماهنگی کننده در دولت داشت. وظیفه اصلی را در آن مقطع اردشیر زاهدی انجام داد از طرف ایران، امیر خسرو افشار سفیر ایران در لندن مذاکرات را پیگیری می‌کرد. هماهنگی و تدارک منابع و مدارک مذاکرات در ایران را دکتر ابراهیم تیموری و صادق صدریه در اداره اول سیاسی و تیم همکاران آنها و عزالدین کاظمی رئیس اداره حقوقی وزارت امور خارجه به انجام می‌رساندند، و سرلشکر صادقیان و تیم او از سازمان جغرافیایی ارتش.

#### \* یعنی مجموعه مذاکراتی که سر این سه جزیره بود، با هماهنگی این افراد صورت گرفت؟

بله. این مذاکرات مستلزم تدارک مدارک بود. نقشه‌های نظامی لازم بود و کار سازمان جغرافیایی ارتش بسیار مرتب بود و از نظر علمی و جغرافیایی خیلی اهمیت داشت. سرلشکر صادقیان ریاست این بخش را داشت. در این زمینه اداره حقوقی وزارت امور خارجه به ریاست دکتر عزالدین کاظمی بسیار درگیر این موضوع بود، و تیم وزارت خارجه بیشترین اقدام را در این زمینه به عمل می‌آورد. گزارش همه این مذاکرات و مسائل مربوط به آن پیوسته توسط اردشیر زاهدی با شخص شاه که عملاً مدیریت دیپلماتیک را بر عهده داشت هماهنگ و کسب دستور می‌شد.

#### بدون شرح



#### \* در دوران پهلوی چه تلاش‌هایی برای پس گرفتن این جزایر شد؟ با انگلیس‌ها مذاکره کردید؟

با مذاکره و اعتراض به انگلیس‌ها، و تا جایی هم که امکان داشت با فشار آوردن سیاسی جزایر را تدریجاً پس گرفتیم. حتی از قسم هم که در قسمتی از آن مستقر شده بودند بیرونشان کردیم، در سواحل هم مثلاً در بوهره ادعاهایی داشتند که تخلیه شدند؛ و خوب این سیاست استعماری بالاخره باید روزی تمام می‌شد. چه در بخش جنوبی و چه در مورد جزایر ایران. ایران همیشه به عنوان کشور مستقل و مسلط در این منطقه بود، اما کشورهای جدید که سابقه استقلال و سلطه حقوقی نداشتند. حواسم راه‌زنان دریایی بودند که انگلیسی‌ها سواحل آنان را به همین نام می‌نامیدند، پس از تسلط صلحی برقرار کردند و آنجا را سواحل متصالحه نامیدند. شیخ نشین‌هایی که امارات متحده را تشکیل دادند در این وسط توانستند حساب خودشان را از سلطه مسقط عمان جدا کنند؛ و از آن منطقه فقط بخش رأس المسمند مقابل هرمز به تعلق به سلطنت عمان باقی ماند. اینها وقتی که مستقل می‌شدند، مثل همه کشورها جدی به دنبال هویت بر آمدند، به دنبال تاریخ‌سازی هستند، بعد پول پیدا کردند و دنبال توسعه و شاید کشورگشایی رفتند و هستند؛ برای اینکه خودشان کشورهای کوچکی هستند.

بنابراین ایران پیش از این که این‌ها استقلال‌شان اعلام و رسمی شود، درست روز قبلیش، با توجه به توافقی که با رأس الخیمه در مورد جزایر تنب بزرگ و کوچک شده بود و تفاهم و موافقتی هم که با شارجه در مورد ابوموسی شده بود، جزایر خودش را پس گرفت. در ابوموسی مقاومت کوچکی شد یک نفر هم از ارتش ایران کشته شد، ولی آن را خاموش کردند و جزیره مسترد شد. در قسمت جنوبی جزیره ابوموسی، حقوق مالکانه شارجه محترم شناخته شد و هنوز هم مردم و اتباع امارات در قسمت ثلث جنوبی زندگی می‌کنند، مدرسه دارند، تابع قوانین و مقررات خودشان هستند، کلاترری هم دارند و رفت و آمد هم با امارات می‌کنند. اما ایران حاکمیت خودش را در آنجا برای خودش محفوظ می‌داند، ولی به مالکیت آنها احترام می‌گذارد.

#### \* این قرارداد همان‌موقع بسته شد مبنی بر این که آنها در ثلث جنوبی اجازه اسکان داشته باشند، اما حاکمیت جزیره با ایران باشد؟

زبله، حاکمیت مهم است که مال ایران است. در ثلث جنوبی ضمن اینکه حاکمیت ایران برای خودش محفوظ است، مالکیت آنها را قبول دارد؛ و خوب از مالکیت یک قدری می‌شود گفت فرائز است، برای اینکه کلاترری و مدرسه دارند. در این زمینه ایران آمد برای پس گرفتن جزیره با آنها قدری کنار آمد. بعداً هم آنجا یک شرکت نفتی امتیازی گرفته بود و شروع به استخراج نفت کرد که با توافق با شارجه نصف به نصف متافعش با ایران تقسیم می‌شد تا دورانش تمام شد یا نفت تمام شد، که دیگر من خبر ندارم که بعداً چه شد. صدام حسین یکی از دلایل جنگ خودش را اشغال جزایر عربی توسط ایران اعلام کرد و خود را ضامن حقوق مردم عرب می‌دانست. قذافی هم چنین ادعایی داشت. جنگ صدام هم بهانه‌اش یک مقدار این بود، برای اینکه احساسات ناسیونالیستی عرب‌ها را علیه ایران برانگیزد. الان هم که یک اختلاف عمده‌ای بین ایران و جهان عرب بر سر غزه وجود

دارد ولی ایسن قضیه تا دوران جمهوری اسلامی هم ادامه داشت و یک حساب کتابی بود.

#### \* این ادعاهای کنونی از چه زمانی مطرح شدند؟

به تدریج، وقتی امارات به ثروت و انسجامی دست یافت، و در زمان جنگ عراق و ایران که صدام جزایر را عربی اعلام و بعداً هم در مجامع بین‌المللی آن را عنوان کرد. ایران هم همواره آن را مردود دانسته است. از یک‌مقطع به بعد هم شروع کرد به نامه نوشتن در اجلاس‌های عربی و عرب‌ها هم خوب حمایت می‌کردند. صدام حسین یکی از دلایل جنگ خودش را اشغال جزایر عربی توسط ایران اعلام کرد و خود را ضامن حقوق مردم عرب می‌دانست. قذافی هم چنین ادعایی داشت. جنگ صدام هم بهانه‌اش یک مقدار این بود، برای اینکه احساسات ناسیونالیستی عرب‌ها را علیه ایران برانگیزد. الان هم که یک اختلاف عمده‌ای بین ایران و جهان عرب بر سر غزه وجود دارد. جهان عرب می‌گوید با افسراط گرای‌های اخوانی حماس موافق نیست. زیرا پس از ۴ جنگ و خسارات بسیاری که متحمل شدند، پس از اینکه مصر صحرای سینا را پس گرفت با اردن صلح کمپ دیوید را امضا کردند و ملک عبدالله هم مینا را قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت درباره تشکیل دو دولت فلسطین و اسرائیل در مرزهای پیش از جنگ ۱۹۶۷ قرار داد. به همین دلیل هم در تمام مدت جنگ حماس عملاً سکوت کردند، تازه در اول آبان ۱۴۰۳ در اخبار دیدم که دبیر کل اتحادیه عرب اعلام کرد: «زمان آن فرا رسیده است که آتش پس برقرار بشود.»

خیلی جالب بود، یعنی پس از تضعیف حزب الله و حماس که یک نوع جنگ مذهبی ضد اسرائیل راه اندازی کردند؛ به امید اینکه همه عرب‌ها را دنبال خودش بکشند. ولی آنها حاضر نشدند بروند. اما حالا که آنها تضعیف شدند، اتحادیه عرب زمان را مناسب دانسته و وارد میدان شده است.

#### \* نکته جالب این است که این احساسات ناسیونالیستی عرب، چه‌طور مقابل اسرائیل که دشمن به این واضحی است و این‌طور قتل و کشتنار می‌کند هیچ برانگیخته نمی‌شود؟ اما مقابل ایران ناگهان گل می‌کند!

بخنشی از عرب‌ها حماس را مزاحم برنامہ توسعه و رفاه و دشمن خودشان می‌دانند، به همین دلیل با آن کاری ندارند و حاضر نیستند زیر پرچم حماس بروند. کما اینکه دیدیم در مصر چند وقتی اخوان المسلمین آمد روی کار، و از برکناری اش توسط همین آقای سیسی خیلی استقبال کردند. ضمناً عرب‌ها موجودیت اسرائیل را قبول دارند، پیمان‌هایی امضا کردند، در چهار جنگ بزرگ چنان شکستی خوردند و چنان خساراتی به آن‌ها وارد شد که به این‌پرداشت رسیدند که به جای جنگیدن باید به واقعیت اسرائیل تن بدهند.

بنابراین آن‌ها سیاست کلی‌شان با سیاست مقاومت در تقابل بود که شرکت نکردند. الان هم که دارند شرکت می‌کنند برای این است که جایگزین تقابل بشوند و بتوانند طبق قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت راجع به تشکیل کشور فلسطین به پایتختی قدس شرقی، و خروج اسرائیل از شهرک‌های کرانه غربی و بازگشتش به پیشت مرزهای ۱۹۶۷، عمل بکنند. این‌ها همه در توافق‌های آنها هست و می‌گویند ملک عبدالله فقید پادشاه عربستان سعودی گفته باید به این حد برسید و این مذاکرات و مذاکراتی که روز قبل از حمله ۷ اکتبر با حضور وزرای خارجه عربی و اسرائیل در ریاض تشکیل می‌شد یا در آستانه تشکیل بود، برای همین مصالحه بود. اصلاً حمله ۱۷اکتبر به خاطر بر هم زدن آن مذاکرات بود زیرا اهداف حمله ۱۷اکتبر اجرای برنامه نابودی اسرائیل بود و اسرائیل این را برای خودش خطر می‌داند. منطق اش این است که اگر من را می‌خواهی نابود کنی، خوب من هم شما را نابود می‌کنم.

این مورد تأیید عرب‌ها نیست، آنها می‌خواهند به توسعه